

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



بررسی خلاقیت دانش آموزان با نگرشهای فرزند پروری والدین در مدارس مقطع راهنمایی

دخترانه و پسرانه شهر تبریز

صالح سیروس^a، اصغر بهاری^b، علی یزدانی^c، اسماعیل یزدانی^d

^a علی یزدانی آموزگار، کارشناسی راهنمایی و مشاوره، جعفرآباد، بیله سوار، اردبیل، ایران

^b اصغر بهاری سرپرست مدرسه شبانه روزی مالک اشتر رشته کارشناسی حقوق، جعفرآباد، بیله سوار، اردبیل

^c صالح سیروس مدیر آموزگار رشته کارشناسی علوم اجتماعی، جعفرآباد، بیله سوار، اردبیل ایران

^d اسماعیل یزدانی، آموزگار، کارشناسی راهنمایی و مشاوره، جعفرآباد، بیله سوار، اردبیل، ایران

چکیده: هدف اساسی از انتخاب موضوع و انجام تحقیق در زمینه خلاقیت دانش آموزان و نگرشهای فرزند پروری والدین، دستیابی به نتایجی است که احتمالاً حاکی از ارتباط برخی از عوامل بین آنهاست. فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از "بین نگرشهای فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد". در فرضیه های فرعی، بررسی رابطه خلاقیت با جنسیت، پایه های تحصیلی، متغیرهای دموگرافیک و... مد نظر بوده است. برای انجام پژوهش از روش توصیفی (پیمایشی) استفاده شده است. نوع نگرش فرزند پروری والدین به عنوان متغیر مستقل و میزان خلاقیت دانش آموزان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. به منظور آزمون فرضیه های تحقیق، اطلاعات مورد نیاز از طریق اجرای دو پرسشنامه به شرح زیر جمع آوری شده است.

کلمات کلیدی: تجارت الکترونیک، مزایای اقتصادی، مصرف پایدار

۱- آزمون زمینه یابی مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت

۲- پرسشنامه زمینه یابی ارزشیابی نگرش والدین

اجرای هر دو پرسشنامه به روش سرشماری انجام گرفته است. جامعه و نمونه آماری را ۲۰۹ نفر پسر و ۲۱۸ دختر (جمعاً ۴۲۷ نفر) و والدین آنها تشکیل داده است. تجزیه و تحلیل نتایج و داده ها با استفاده از روشهای آماری توصیفی و استنباطی مثل فراوانی، میانگین، ضریب همبستگی پیرسون، انحراف معیار، آزمون t، تحلیل واریانس و... به وسیله بسته نرم افزار آماری SPSS13 صورت گرفته است. نتایج تحقیق حاکی است ۱۱/۶٪ دانش آموزان خلاقیت بسیار زیاد، ۴۲/۲٪ خلاقیت زیاد، ۲۸/۷٪ خلاقیت کم و ۱۷/۵٪ خلاقیت بسیار کم از خود نشان دادند که ۵۳/۸٪ بالاتر از حد متوسط و ۴۶/۲٪ نیز پائین تر از حد متوسط می باشد. اکثریت والدین (۹۲/۵٪) نیز نگرش حد متوسطی به رشد خلاقیت فرزندان دارند. از نظر شیوه های فرزند پروری و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه آماری معنی داری بدست نیامده است (۲۰٪ = r). یعنی والدین دیدگاههای تربیتی روشن و جهت داری که بتواند رشد قوه ابتکار و نوآوری کودکان را پشتیبانی و حمایت کند نداشته و در تربیت فرزندان گرایشهای شدیداً محافظه کارانه ای دارند که احتمالاً می تواند دلیلی بر تقدم و اهمیت موفقیت تحصیلی بر رشد خلاقیت باشد. ارتباط برخی از عوامل تشکیل دهنده خلاقیت با نگرشهای والدین، جنسیت دانش آموزان، تحصیلات و شغل والدین، وضعیت رفاهی خانواده ها و... که مربوط به فرضیه های فرعی تحقیق می باشد قابل توجه است. توزیع فراوانی میزان خلاقیت دانش آموزان نیز به ترتیب برای بسیار کم، کم، زیاد و بسیار زیاد ۱۷/۵٪، ۲۸/۷٪، ۴۲/۲٪ و ۱۶/۶٪ می باشد. تفاوت معنی داری از نظر میزان خلاقیت در بین پایه های مختلف تحصیلی مشاهده نگردید. در مقام مقایسه، میزان خلاقیت کلی و عوامل چهارگانه خلاقیت (بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف پذیری) در دختران بیشتر از پسران است. در مورد متغیرهای دموگرافیک، نتایج حاکی است: ۱- خلاقیت سیالی فرزندان خانواده های مرفه کمتر است. ۲- اکثریت پدران (۶۱/۵٪) و مادران (۴۷/۹٪) دانش آموزان دارای تحصیلات عالی لیسانس و بالاتر هستند. شغل اغلب مادران را خانه داری (۴۶٪) و معلمی (۲۵/۳٪) و شغل اغلب پدران را کارمندی (۳۸/۳٪) و

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

آزاد (۲۷٪) تشکیل می دهد. بنابراین نتایج آزمون، فرضیه اصلی و فرضیه فرعی ۲ تحقیق را تأیید نمی کند اما فرضیه های فرعی ۱ و ۳ و ۴ مورد تأیید هستند

واژه های کلیدی: خلاقیت (سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری، بسط)، سبکهای فرزند پروری (سلطه گری، وابستگی شدید، سهل انگاری) نگرش، استعدادهای درخشان

مقدمه

ویلیام جیمز^۱ (۱۹۱۱) میگوید "نیروی ابتکار مخترعان بزرگ و کوچک است که بشریت را تکان داده، دیگران فقط تقلید می کنند ابتکار یگانه عامل موثر در پیشرفت انسان است نوابغ راه را نشان میدهند و طرحهایی تنظیم میکنند که عامه مردم می پذیرند و از آنها پیروی میکنند" (میناکاری، ۱۳۶۸، ص ۷۱). به نظر پستالوژی برترین مقصد تربیت آماده کردن انسان برای استفاده از تواناییهای خدادادی است (مویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). به عقیده سی تی مورگان و همکارانش، خلاقیت و نوآوری و توانایی حل مسئله در بالاترین سطح فعالیتهای شناختی انسان قرار دارند و ایجاد توان خلاقیت و حل مسئله در یادگیرندگان از ارزشمندترین غایتهای پرورشی و فرهنگی می باشد زیرا تنها از راه ایجاد این تواناییهاست که می توان افراد را برای مقابله با شرایط سخت و متغییر زندگی و موقعیتهای جدید که مرتبا با آن روبرو می شوند، آماده کرد. با درک چنین حقیقتی است که کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل متحد می گوید "هیچ چیز باشکوهتر از فراهم آوردن شرایط بهبود زندگی انسانها نیست این مهم میسر نیست مگر با ابتکار. یا بقول اوینهامیر تنها راه سازگاری موثر در زندگی، استفاده حداکثر از نیروی آفرینندگی است (مویدنیا، ص ۳۳). بی تردید می توان گفت فرهنگ و تمدن بشری بیش از هر چیز دیگر مدیون فکر و اندیشه انسان به ویژه جنبه خلاقانه آن است. به عبارتی شاید بتوان گفت بدون خلاقیت، اصولا یا فرهنگ و تمدنی وجود نداشت ویا اینکه ارزشمندی و سودمندی آن هرگز به این گستردگی و جذابیت نبود. بنابراین امکانات، رفاه و قدرت انسان نیز بسیار محدود می شد. در واقع بسیاری از دست آوردهای جالب توجه زندگی انسان در هر زمان اعم از مادی و معنوی مثل خلق آثار تاریخی، اختراع ماشین، ارائه نظریات علمی، آفرینش آثار ادبی و هنری و... چیزی جز نتیجه فرآیند تفکر خلاقانه نمی باشد. بسیار جالب خواهد بود در صورتیکه ما یک نوع زندگی برای انسان تصور نمائیم که در آن خبری از خلاقیت و نوآوری نباشد طبیعی است در آن صورت دنیای ما بسیار سرد، ساده، ساکت، بدون شور و شاید کم و بیش شبیه دنیای سایر موجودات زنده (مثل دنیای حیوانات) می بود، حتی اگر همین مقدار هوش، توانایی و استعداد انسانی نیز وجود می داشت. بنا براین به قول شکسپیر "ابتکار انسان را برتر از حیوانات قرار می دهد" (مویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). به عبارت دیگر می توان گفت اگر زندگی انسان بدون خلاقیت و نوآوری بود بی شک کشتی هستی در دریای متلاطم مسایل، مشکلات، نیازها، محدودیتهای و... توان شناوری نمی یافت. بنابراین، افتخار داشتن قدرت خلاقیت و نتایج فوق العاده شکوهمند و هیجان انگیز آن به عنوان موهبت الهی اختصاص به نوع بشر داشته و تقریبا سایر موجودات از آن محروم هستند.

بطور کلی پرداختن به موضوع خلاقیت از آن جهت مهم به نظر میرسد که واقعا سهم بزرگی از جریان پیشرفت های علمی - صنعتی در دنیا، دست آوردهای تمدن بشری، آسایش و شکوه زندگی انسان محصول تفکر خلاقانه محسوب می شود، زیرا بدون ابداع و نوآوری عرصه زندگی برای همه به اندازه کافی سرد و بی تحرک بوده و حیات بشر نیز خیلی بیش از این ساده و همراه با رنج و زحمت همراه می شد. فلذا توجه به چنین امر خطیری، دقیقا به معنی توجه به سرنوشت زندگی اجتماعی بشر و آینده جوامع است. امروزه اندیشمندان بزرگی چون الوین تافلر (۱۹۸۰) از نتیجه محرومیت اجتماعی خلاقیت که می تواند ناشی از ناکارآمدی نهاد آموزش و پرورش باشد یاد کرده و تصریح می کند این وظیفه مهم و خطیر نهاد آموزش و پرورش است که بتواند تعادلی مطلوب بین ثبات و تغییرات مطلوب در جامعه ایجاد نماید و گرنه دچار "شوک آینده"^۲ خواهیم شد (الوین تافلر^۳، ۱۳۷۳، ص ۵۰۰). طبیعی است جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه، نه تنها سهم قابل توجهی از جریان تولید فکر و آثار عینی خلاقیت بشری ندارند بلکه بیشتر مصرف کننده محصول خلاقیت دیگران هستند البته این ادعا به معنی نفی مطلق وجود خلاقیت در چنین جوامعی نیست بلکه مراد آن است که برآیند کلی موضوع در مجموع دست آورد قابل توجه و جالبی

1 - Wiliam James
2 - Future shock
3 - Alvin Toffler

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در

مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



درمقام مقایسه ندارد. بنابراین اتخاذ سیاست ها و تنظیم برنامه های آموزشی مبتنی بر رشد خلاقیت فکری و عملی یادگیرندگان باید از اهم الویت های نظام آموزشی کشورهای مذکور مثل کشور ما باشد.

برخی کودکان به خاطر راهنمایی و تشویق والدین و معلم هایشان ، قدرت خلاقه خود را بسط و تکامل می بخشند و برخی دیگر در حالیکه همان قدرت خلاقه را دارند از این تکامل محروم می مانند (رواندوست ، ۱۳۶۴، ص ۴۵). علمای تعلیم و تربیت به یقین دریافته اند که اثرات منفی آموزش تحمیلی بسته و یکنواخت در مدارس در حدی است که استعدادها و قدرتها را از بین می برد . نقش مدرسه به هیچ وجه این نیست که نوارهای ضبط صوت تولید کند ، بلکه بزرگترین وظیفه آن پرورش و توسعه قدرت تفکر ، خلاقیت و مهارتهای یادگیری در انسان است (خمارلو، ۱۳۷۰، ص ۷). بنابراین مهارتهای تفکر خلاق باید به عنوان مهم ترین مهارتهای سازگاری و قابلیت انطباق شناخته شود . چنین مهارتهایی باید برای مواد درسی مدارس ، خانواده ها ، صنعت و سایر موسسات ، اساسی و ضروری تلقی گردد(تورنس ، ۱۹۷۹ ، ص ۲۴). کلیات رئوس برنامه های آموزشی و مفاد درسی در نظام آموزشی کشورمان تقریباً به صورتی تنظیم شده است که عمدتاً از قبل همه پاسخ ها و روش های حل مسائل مشخص بوده و نقش معلم و دانش آموز نیز براساس الگوهای معین تدریس و آموزش تعیین شده است بنابراین فرصت بروز خلاقیت برای دانش آموزان و معلمان یا وجود ندارد و یا اعتنای کافی به آن نمی شود . حتی ممکن است در برخی شرائط ، بروز پاسخ ها و عملکردهای خلاقانه دانش آموزان توسط معلمان ، والدین و اولیاء مدارس سرکوب نیز بشود. درنظام آموزشی ما که نهایتاً دانش آموزان با نمره عددی مورد ارزیابی قرار گرفته ، آزمون وامتحان اساس ارزیابی پیشرفت تحصیلی محسوب می شود رشد خلاقیت چندان جدی گرفته نمی شود در حالیکه اصولاً می بایست آموزش براساس رشد خلاقیت جایگزین آن باشد .

تجاری که ما در سالهای اولیه در اختیار کودکان خود قرار می دهیم در رشد آتی آنان تاثیرات بسیارحیاتی دارد . هرقدر این تجارب غنی تر باشند کودکان فرصت های بیشتری برای رشد و آمادگی برای درک آن چیزهایی پیدا می کنند که درزمان حال و آینده به آن نیاز دارند (دافی ، برناتد ، ۱۳۸۰، ص ۳۵) بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت خود به خود از طیف گسترده کاربردهای مفید الگوهای تفکر واگرا^۱ و خلاقیت را ایجاد کنند آگاهی ندارند همانطوریکه گوردون عقیده دارد خلاقیت را می توان با یک سری تمرین های گروهی افزایش داد . نوآوری معمولاً با ترس ونگرانی دنبال می شود در واقع والدین می خواهند کودکانشان همان راه آموزشی را بروند که خودشان طی کرده اند بنابراین اغلب مردم در خصوص نوآوری آموزشی محتاط هستند. مردم هرقدر هم از مدارس قدیمی انتقاد نمایند. در عین حال به علت آشنائی آنها انتخاب می نمایند . نوآوریها در مدارس کاهها به عنوان پائین آمدن استانداردها تعبیر می شود(جویس ، ویل و کالهن ، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹ و ۲۴۱). فرض است کودکان ذاتاً خلاق به دنیا می آیند و شرط ظهور استعدادهای خلاقانه نیز وجود شرایط مناسب محیطی در خانه ، مدرسه و... است کودکان تخیلات ، ایده ها و افکار خود را با به کار گرفتن روشهای گوناگون و خاص خود تعیین می کنند آنها نقاشی می کنند ، داستان می نویسند ، نقش بازی می کنند ، کاردستی درست می کنند ، خمیربازی می کنند ، چپستان درست می کنند ، موسیقی می نوازند ، مسئله می سازند و... برای همه این کارها ، کودکان نیاز به ایده ها و اطلاعات خاص دارند تا با ترکیب کردن آنها بتوانند قوه ابتکار و نوآوریشان را نمایش دهند . کتاب ، بازیها ، اسباب بازیها ، تجارب غنی محیطی و بسته های آموزشی و... ابزارهای مورد نیاز، برای ظهور خلاقیت کودکان است .

کاربرد تفکر خلاق به حوزه هایی چون علوم و هنر محدود نیست . تفکر خلاق در هر عرصه ای در زندگی مفید است (برونو ، ۱۳۷۰ ص ۸۲) عموم مردم تصور می کنند که خلاقیت عمدتاً در دستر هنرها متجلی می شود در حالیکه در تمام زمینه ها ، این امر محقق می شود مثلاً در زمینه مهندسی که نتیجه آن اختراع نامیده می شود . خلاقیت چه در علم ، ادبیات ، موسیقی ، نقاشی و یا هر زمینه دیگر در زندگی باشد همواره چون رازی جالب باقی مانده است با وجود این واقعیت ، توجه روانشناسان هر روز به این موضوع افزایش می یابد (فینک ، وارد و اسمیت ، ۱۹۹۲). بنابراین زمینه بروز خلاقیت می تواند شامل همه مفاد درسی ، تمام عرصه های زندگی ، کلیه رشته های تحصیلی و حتی سنین مختلف نیز بشود هرچند اثرات آن در مورد دانش آموزان ، دانشجویان و سنین پائین با اهمیت تر است . یعنی از روش حل یک مسئله خشک ریاضی گرفته تا نگارش انشاء ، ترسیم نقاشی ، آزمایش فیزیک و شیمی و... عرصه های بروز خلاقیت هستند . به شرطی که نحوه تعامل معلم ، والدین و اولیاء مدرسه نیز سازنده ، مولد و خلاقانه باشد . دلیل ما بر این ادعا نه تنها شرح و حال زندگی و تجارب عملی مشاهیر و مخترعان بزرگ ، بلکه شیوه برخورد های نقض کننده عوامل موثر در آموزش و پرورش خلاقیت کودکان است .

این تحقیق در صدد دستیابی به این هدف است که نگرشها و شیوه های فرزند پروری والدین ، تا چه اندازه در بروز ، رشد و شکوفائی خلاقیت دانش آموزان تاثیر دارد ؟ به عبارت دیگر می خواهیم روشن سازیم که روشهای تربیتی و نظام ارزشهای اجتماعی منجر به ایجاد محیط مناسب رشد خلاقیت و یا مانع بروز

4 - Divergent thinking

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

آن کدامند؟ تا براساس یافته ها و نتایج تحقیق توصیه های لازم آموزشی و تربیتی را به والدین ، مسئولین آموزشی و مربیان ارائه شود . فرض اساسی ما این است که خلاقیت دانش آموزان ارتباط زیادی با رشد و توسعه جوامع ، موفقیت تحصیلی ، موفقیت شغلی و ارتقاء سطح رفاه انسانها دارد. از طرف دیگر فرض است که میزان بهره هوشی و زمینه های بروز خلاقیت در میان دانش آموزان و افراد جامعه ما از حد متوسط جهانی کمتر نیست. لکن نحوه برخورد و نگرش والدین و مربیان و حتی مسئولین کشوری با این جنبه از توانائی ذهنی دانش آموزان جامعه بطوریکه در جریان تربیت و آموزش ، نتایج به بروز و تقویت تفکر و عمل خلاقانه منجر گردد زیر سوال است .

نیل به این هدف مهم جزء با تغییر نگرش ها و روشها که در محتوی برنامه ها و شیوه های تربیتی - آموزشی محیط های غیررسمی (خانواده ، اجتماع) و محیط های رسمی (آموزشگاهها ، مدارس ، دانشگاهها و...) میسر نیست . چنین هدفی که به عنوان یک مساله مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته در درجه اول نیاز به بررسی نگرشها ، برخورد ها ی والدین و برداشتهای ذهنی معلمان از خلاقیت دانش آموزان دارد .

۲- مبانی نظری

۲-۱- خلاقیت

مثل هر مفهوم نظری و انسانی دیگر ، تعریف خلاقیت نیز تابع گرایشات و برداشت های شخصی و مکتبی صاحب نظران است که در مجموع مشابه به نظر می رسند. بمنظور جلوگیری از طولانی شدن بحث ، ذیلا به ذکر تعاریف خلاصه چند تن از مشاهیر زمینه تحقیقات و منابع علمی خلاقیت اشاره می گردد.

- فرهنگ توصیفی اصطلاحات روانشناسی: "تفکر خلاق تفکری است که مشخصه اصلی آن توانائی کنار گذاشتن فرض های غیرلازم و زایش افکاراصیل است" (برونو، ۱۳۷۰، ص ۸۲)

- استیفن رابینز^۵ (۱۹۹۱): "خلاقیت به معنای ترکیب ایده ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده هاست" (طالب زاده و انوری ، ۱۳۷۵، ص ۲)

- استین ، پارس و هاردینگ^۶ (۱۹۶۲): "خلاقیت همان چیزی است که به ایجاد یک کار جدید منجر می شود ، که در زمانی به عنوان یک چیز قابل دفاع یا مفید یا خشنود کننده مورد قبول گروه قابل توجهی قرار گیرد" .

- مدنیک^۷ (۱۹۶۲): "خلاقیت عبارت از سازمان دادن به عناصر همخوانده به صورت ترکیبهای جدیدی است که به خواسته های خاص پاسخ می دهند یا اینکه به گونه ای مفید هستند " .

- فاکس^۸ (۱۹۶۶): "فرآیند خلاق به هر نوع فرآیند تفکری گفته می شود که مساله را به طریق مفید و بدیع حل کند" .

- هورلاک^۹ (۱۹۸۲): "خلاقیت در واقع همان شکل کنترل شده تخیل است که منجر به نوعی ابداع و نوآوری می گردد" .

- استرنبرگ (۱۹۸۹): " خلاقیت ترکیبی از قدرت ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می سازد خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالا خشنودی دیگران خواهد بود" (کفایت ، ۱۳۷۳، ص ۶۲ و ۶۳)

- لوتانز (۱۹۹۲): "خلاقیت به وجود آوردن تلفیقی از اندیشه ها و رهیافت های افراد و یا گروهها در یک روش جدید، است" (انوری ، ۲۰۰۷، ص ۲)

- فرانکن (۲۰۰۵): " خلاقیت رویکرد خلق یا تشخیص ایده ها و احتمالاتی است که در حل مسئله یا در ارتباطات انسانی و سرگرم کردن خود و دیگران مفید است" وی اضافه می کند که برای خلاق بودن ، افراد باید قادر باشند که مسائل را از دیدی تازه بنگرند ، احتمالات و جایگزینهای بدیع خلق نمایند (همتی ، ۱۳۸۷، ص ۹)

5 - Stephen Robbins

6 - Steine ' Parnes & Harding

7 - Mednick

8 - Fox

9 - Hulark

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



- هالپرن: خلاقیت توانائی شکل دادن به ترکیب تازه ای از نظرات یا ایده ها برای رسیدن به یک نیاز یا تحقق یک هدف می باشد" (سایت فکر نو ، به نقل از نگین برات ، ۱۳۸۲، ص ۱)
 - تورنس (۱۹۷۳): "خلاقیت عبارت است از حساسیت به مسائل ، کمبودها ، مشکلات و خطاهای موجود در دانش ، حدس زدن ، تشکیل فرضیه هایی در باره این کمبودها ، ارزشیابی و آزمایش این حدسها و فرضیه ها و احتمالاً اصلاح و آزمودن مجدد آنها و در نهایت نتیجه گیری ". تورنس که تحت تاثیر چهارچوب نظری گیلفورد است خلاقیت را مرکب از چهار عامل اصلی می داند که عبارتند از:
 - ۱- سیالی^{۱۰} : توانائی تولید تعداد بی شماری ایده در قالب تصویر با فرض پاسخ و عقیده در مورد آن .
 - ۲- ابتکار^{۱۱} : توانائی تولید ایده هایی که از ایده های عادی و رایج متفاوت است .
 - ۳- انعطاف پذیری^{۱۲} : توانائی تولید انواع گوناگون و متنوع ایده ها در قالب تصویر و ارائه راه حلهای نو.
 - ۴- بسط^{۱۳} : توانائی اضافه کردن جزئیات یا تکمیل ایده های تصویری (کفایت ، ۱۳۷۳ ، ص ۶۹).
- به زبان ساده می توان گفت : "خلاقیت عبارت است از بکارگیری توانائیهای ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید ". از مضامین بکار گرفته شده در تعاریف فوق چنین برمی آید که اولاً ماهیت خلاقیت به چگونگی تفکر انسان و نتیجه آن بستگی دارد و ثانیاً مشتمل بر یافتن راهها و روش های جدید و موثر می باشد. بنابراین بدون وجود سه ویژگی اساسی:

- ۱- ذهنی بودن^{۱۴}
- ۲- نوبودن^{۱۵}
- ۳- موثر بودن^{۱۶}

نمی توان لفظ خلاقیت را بر یک فرآیند و فعالیت ذهنی و یا عملکرد اطلاق نمود .

درحقیقت ، از آنچه که ما به عنوان خلاقیت و تفکر خلاق^{۱۷} از آن نام می بریم شامل یک فرآیند ذهنی و نتیجه نوع فکرانسان است یعنی چیزی که چگونگی فعالیت فکری فرد و نتیجه آن است بعبارتی خلاقیت تفکری است که شامل نگرش نو و ایده های بکر می باشد. بدیهی است خلاقیت مثل هر مفهوم دیگر ذهنی ، تعاریف مختلفی از اصطلاح خلاقیت ارائه شده است. پیچیدگی و دشواری شناخت ماهیت ، تعریف و کارکرد خلاقیت ، بیشتر ناشی از ماهیت غامض کنشهای مغزی است.

۲-۲- سبکهای فرزند پروری^{۱۸} و خلاقیت

خلاق بودن کودکان ، تحت تاثیر عوامل محیطی بویژه نگرش^{۱۹} و شیوه های پرورشی و تربیتی والدین است مطالعه ارتباط این دو متغییر، همواره مد نظر پژوهشگران بوده و هست . شواهد حاکی است خانواده مهم ترین نقش را در کنترل و هدایت تخیل و ظهور خلاقیتها ایفاء می کند . برآیند کلی نتایج تحقیقات حاکی است که بطور مشخص جو و محیط خانوادگی افراد خلاق ، متفاوت از جو و محیط خانوادگی افراد غیر خلاق است . این تفاوت عمدتاً ناشی از نوع ارتباط متقابل والدین و فرزندان بوده است برای مثال شیفر (۱۹۷۰) با مطالعه ۱۰ نفر دانش آموز تیز هوش دختر که زودتر از موعد مهارت خواندن را یادگرفته ، سرگرمیهای خلاقانه (نقاشی و شعر) داشته و دارای قدرت تخیل قوی بودند دریافت که خانواده ها با آنان سخت گیری کمتری اعمال می کردند . اوایل قرن

- 10- Fluency
- 11 - Originality
- 12 - Flexibility
- 13 - Elaboration
- 14 - Mental
- 15 - New (Inoovative)
- 16 - Effective
- 17 - Creative thinking
- 18 - Parental style
- 19 - Attitude

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در

مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

۲۰ نگرشها، شیوه های تربیتی و الگوهای رفتاری والدین با فرزندان تحت تاثیر مکاتب رفتارگرایان^{۲۰} خشک و خشن بود اما از سالهای ۱۹۴۰ و تحت تاثیر طرفداران مکتب روانکاوی بویژه بنیامین اسپاک که به اهمیت مسائل عاطفی، ارضاء نیازها و زبان ناشی از کنترل شدید تمایلات طبیعی تاکید داشت، آسان گیری و انعطاف پذیری در تربیت جایگزین آن شد (کفایت، ۱۳۷۳، ص ۵ و ۶). برخی تحقیقات نشان می دهد که والدین کودکان خلاق، در رفتارهای خود هماهنگی بیشتری نشان می دهند و کودکان خود را آنگونه که هستند قبول دارند و آنها را به کنجکاوی در باره اشیاء و امور تشویق می کنند و کودکان خود را در انتخاب موضوعات مورد علاقه آزاد می گذارند و صرفا کارها و برنامه های آنان را با نظارت و پیگیری مد نظر قرار می دهند تا دخالت (سایت اینترنتی فکر نو، ص ۱). اگر کودکان بتوانند از محیط خود بخواهند کارهایی برایشان انجام دهد، در سنین پائین تر کمتر به پدر و مادر وابسته می شوند و احساس سلطه بر محیط و شایستگی فردی خواهند کرد و به خوبی می توانند از عهده مخاطرات کنجکاوی، جستجوگری، و خلاقیت فکری برآیند و در زندگی برخوردی کارساز و مشکل گشا پیدا کنند (تافلر، ۱۹۸۰، ص ۲۴۱).

بطور کلی خانواده ها، برای تربیت فرزندان خود یکی از روشهای سلطه گری، وابستگی شدید و سهل انگاری را که به اختصار توضیح داده می شود بکار می برند.

سلطه گری^{۲۱}: این روش شامل ایجاد محدودیتهای زیاد در رفتار، گفتار و کردار فرزند در زمینه رعایت نظافت، مراقبت از وسایل، سکوت، اطاعت، بروز احساسات و... ازسوی والدین است والدین سلطه گر ممکن است حتی با بی تفاوتی و آرامش، خواسته های خود را به فرزندان تحمیل نمایند و یا روش هیجان آمیزی در پیش بگیرند.

وابستگی شدید^{۲۲}: در این روش والدین خود را فدای فرزندان کرده و در هرحال آنها را نیازمند خود بار می آورند. این قبیل والدین قطع رابطه عاطفی با فرزندان را به تاخیر انداخته، مراقبت و نظارت کامل و مدام را ضروری می دانند. یعنی در همه حال، حتی در بزرگسالی فرزندان را نیازمند حمایت، راهنمایی و کنترل می دانند. طبیعی است این قبیل رفتارها مانع بروز خلاقیت خواهند بود. رو^{۲۳} (۱۹۵۳) در تحقیقی که در باره زندگی دانشمندان برجسته انجام داده نشان می دهد که احساس استقلال و بی شباهت بودن به دیگران در افراد خلاق که به صورت آشکار و زودرس بروز می کند مشخص کننده نیاز به خودپرویی^{۲۴} در آنهاست (میناکاری، ۱۳۶۸، ص ۸۲). استقلال واقعی از والدین کار چندان آسانی نیست چرا که اولاً انگیزه ها و مشوقهای آن برای کودکان قوی هستند و ثانياً تغییر شیوه ها و باورهای افراد بزرگسال (والدین) دشوار است. در هرحال به تناسب میزان وابستگی به والدین، استقلال و اتکاء به خود کودکان به تاخیر می افتد. بدیهی است این مسئله باعث به وجود آمدن مشکلاتی در زندگی اجتماعی، تحصیلی و... می گردد. عملکرد ضعیف آموزشی، خلاقیت و اعتماد به نفس پائین از جمله تبعات طبیعی چنین شیوه تربیتی است (کفایت، ۱۳۷۳، ص ۸۴ و ۸۵).

سهل انگاری^{۲۵}: والدین سهل انگار نه تنها کنترل و فشاری بر روی فرزندان خود، بلکه انتظار توقعی خاص هم از آنان ندارند. آنان در دادن پاداش و اعمال تنبیه چندان جدی نیستند. در انجام امور شخصی، نظافت و تکالیف درسی فرزندان با مسامحه برخورد می کنند معمولاً وقتی برای در کنار فرزندان بودن اختصاص نمی دهند و انتظار دارند فرزندانشان درد سر و مشکلی برای آنان درست نکنند.

دایانا باوریند^{۲۶} (۱۹۶۷) در یک رشته تحقیقات، با زیر نظر گرفتن والدینی که با فرزندان پیش دبستانی خود تعامل می کردند، اطلاعاتی را در مورد شیوه های فرزند پروری گردآوری کرد. معلوم شد که فرزند پروری دو جنبه گسترده دارد: جنبه اول پرتوقع بودن است. برخی از والدین، معیارهایی عالی برای فرزندانشان مقرر می کنند و از آنها توقع دارند که این معیارها را برآورده سازند. والدین دیگر، توقع خیلی کمی دارند و به ندرت سعی می کنند رفتار فرزندان را تحت تاثیر قرار دهند. جنبه دوم، پاسخدهی است. برخی والدین، نسبت به فرزندان خود پذیرا هستند و به درخواستهای آنها پاسخ می دهند. آنها غالباً به بحث آزاد و گفتگو با فرزندان می پردازند. برخی والدین هم، طرککننده و بی اعتناء هستند. به طوری که ترکیبات گوناگون پرتوقعی و پاسخدهی، چهار سبک فرزند پروری را به بار می آورد که عبارتند از: مقتدرانه، مستبدانه، آسان گیرانه و بدون دخالت.

- 20 - Behaviorist
- 21 - Dominating
- 22 - Possessive
- 23 - Rue
- 24 - Autonomy
- 25 - Ignoring
- 26 - Diana Baumrind

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در

مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



۱- **سبک فرزند پروری مقتدرانه^{۲۷}** : سبک مقتدرانه مناسب ترین روش فرزند پروری است . والدین مقتدر درخواستهای معقولی برای پختگی دارند و این درخواستها را با تعیین محدودیتها و اصرار بر اینکه کودک باید از آنها تبعیت کند ، به اجرا می گذارند. در عین حال ، آنها محبت و صمیمیت از خود نشان می دهند ، صبورانه به نقطه نظرهای فرزندشان گوش می کنند ، و مشارکت در تصمیم گیری خانوادگی را ترغیب می نمایند. فرزندپروری مقتدرانه ، روشی منطقی و دموکراتیک است که طی آن ، حقوق والدین و کودکان محترم شمرده می شود . یافته های بامریند نشان داد که فرزندان والدین مقتدر ، بسیار خوب پرورش می یابند . آنها شاد و سرحال هستند، در تسلط یابی بر تکالیف جدید ، اعتماد به نفس دارند و خودگردان هستند. این کودکان ، سوگیری جنسیتی کمتری نشان می دهند . دخترها در استقلال و میل به تسلط یافتن بر مهارتهای جدید ، و پسرها در رفتار دوستانه و یاریگرانه ، نمره های بالایی کسب کردند (بامریند و بلاک ، ۱۹۶۷). بعد از تحقیقات اولیه بامریند ، مطالعات زیادی یافته های او را تایید کردند. فرزند پروری مقتدرانه در طول سالهای کودکی و نوجوانی ، با عزت نفس زیاد ، پختگی اجتماعی و اخلاقی و پیشرفت تحصیلی رابطه دارد (اکلس و همکاران ، ۱۹۹۷ ، لاستر ومک آدو ، ۱۹۹۶ ، اشتینبرگ ، دارلینگ و فلچر ، ۱۹۹۵). چرا تربیت مقتدرانه تا این اندازه موثر است ؟ چون اولاً ، کنترلی که از نظر کودک منصفانه و معقول است ، نه توهین آمیز و خودسرانه ، به احتمال بیشتری تبعیت و درون سازی می شود . ثانیاً ، والدین مهرورزی که از معیارهای خود برای فرزندان خود در پذیرفتن مسئولیت اعمالشان ، به آنها امکان می دهند تا بفهمند افراد اطمینان بخش می شوند . ثالثاً اینکه ، والدین مقتدر توقعاتی دارند که در رابطه با تواناییهای در حال رشد فرزندشان ، معقول و متناسب هستند . این والدین ، از طریق تنظیم کردن انتظاراتشان با توانایی فرزندان خود در پذیرفتن مسئولیت اعمالشان ، به آنها امکان می دهند تا بفهمند افراد شایسته ای هستند که می توانند خودشان کارهای روزمره زندگی را با موفقیت انجام دهند. در نتیجه ، عزت نفس زیاد و رفتار پخته و مستقل ، در کودکان پرورش می یابد.

۲- **سبک فرزند پروری مستبدانه^{۲۸}** : والدینی که از سبک مستبدانه در تربیت فرزندان استفاده می کنند نیز متوقع هستند ، ولی برای پیروی کردن آنچنان ارزش زیادی قابل هستند که فرزندانشان دوست ندارند پیروی کنند . " همان کاری که من گفتم انجام بده " نگرش این والدین است . در نتیجه ، چون آنها انتظار دارند فرزندانشان از دستورات بزرگترها ، بی چون چرا اطاعت کنند ، کمتر به گفتگو با آنها می پردازند . اگر کودک اطاعت نکند ، والدین مستبد به فشار و تنبیه متوسل می شوند . بامریند دریافت که کودکان پیش دبستانی دارای والدین مستبد ، مضطرب ، گوشه گیر و ناخشنود بودند . وقتی که آنها با همسالانشان تعامل می کردند ، در صورت ناکامی ، با خصومت واکنش نشان می دادند . مخصوصاً پسرها ، خشم و سرپیچی زیادی نشان می دادند ، دخترها ، وابسته و بی علاقه به کند و کاو بودند ، و از تکالیف چالش انگیز عقب نشینی می کردند .

۳- **سبک فرزند پروری آسان گیرانه^{۲۹}** : والدینی که از سبک آسان گیرانه برای پرورش کودکان استفاده می کنند ، مهرورز و پذیرا هستند ، ولی متوقع نیستند و از هرگونه اعمال کنترل ، خودداری می کنند . والدین آسان گیر به فرزندان اجازه می دهند در هر سنی که هستند ، خودشان تصمیم بگیرند ، در حالی که ، هنوز قادر به انجام این کار نیستند. آنها می توانند هر وقت که دوست دارند غذا بخورند و بخوابند و هر قدر که می خواهند تلویزیون تماشا کنند. آنها مجبور نیستند طرز رفتار خوب یاد بگیرند یا کارهای خانه را انجام دهند . گرچه برخی از والدین آسان گیر واقعا معتقدند که این روش بهترین روش است ، ولی از توانایی خود در تاثیرگذاری بر رفتار فرزندشان مطمئن نیستند و از لحاظ اداره کردن خانه خود ، بی کفایت و بی برنامه هستند . بامریند دریافت که فرزندان والدین آسان گیر ، خیلی ناپخته به بار می آیند. آنها در کنترل کردن تکانه هایشان مشکل داشتند و وقتی از آنها می خواستند کاری را انجام دهند که با تمایلاتشان مغایر بود ، اطاعت نمی کردند . ضمناً آنها بسیار پرتوقع و وابسته به بزرگترها بودند ، و در مقایسه با کودکانی که والدینشان کنترل بیشتری اعمال می کردند ، در تکالیف پیش دبستانی استقامت کمتری نشان می دادند . رابطه بین تربیت آسان گیرانه و رفتار وابسته ، مخصوصاً در پسرها ، نیرومند بود (سیدمحمدی ، ۱۳۸۵، ص ۳۸۳ و ۳۸۲).

۴- **سبک فرزند پروری بدون دخالت (بی توجه)^{۳۰}** : در این سبک ، کم توقعی با بی اعتنائی و طرد همراه است . والدینی که دخالت نمی کنند اغلب افسرده هستند و استرس زندگی به قدری آنها را از توان انداخته که وقت وانرژی کمی برای فرزندانشان دارند . فرزند پروری بدون دخالت در

27 - Authoritative style

28 - Atuthoritarian style

29 - Permissive style

30 - Inattentive style

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



حالت شدید آن، نوعی بدرفتاری با کودک است که بی توجهی نامیده می شود. این شیوه، مخصوصا اگر اوایل زندگی شده باشد، تقریبا تمام جنبه های رشد، از جمله دلبستگی، شناخت و مهارتهای هیجانی و اجتماعی را مختل می کند (سید محمدی، ۱۳۸۵، ص ۳۸۵). تحقیقات اولیه صورت گرفته نشان داده است که کودکان خلاق در خانواده هایی پرورش یافته اند که فقدان سلطه گری و خطاپذیری جزو مشخصه های آن بوده است. واتسون (۱۹۶۰) گتزلز و جکسون (۱۹۶۲) شیفر (۱۹۷۰) در مطالعات خود دریافتند که رفتار والدین با کودکان خلاق آزادمنشانه تر و مسامحه کارانه تر بوده، خواندن را زود آموخته، قوه تخیل داشته و سرگرمیهای خلاقانه (شعر و نقاشی) داشته اند مادران دانش آموزان باهوش دغدغه دائمی و وسواس گونه ای در مورد موفقیت تحصیلی، رعایت آداب و نظم فرزندان خود داشته اند در حالیکه مادران کودکان خلاق در این خصوص حساسیت کمی داشته و بیشتر بر مفهوم ارزشها و استقبال از مشکلات زندگی تاکید می کنند. همچنین مادران افراد خلاق خیلی کمتر از مادران دیگر از مخاطرات واهمه داشته و از پول، مسائل و مشکلات اقتصادی سخن می گویند (میناکاری، ۱۳۶۸، ص ۷۸). کروپلی (۱۹۶۷) داستان دختری خلاق بنام کاترین و پسری غیر خلاق بنام تام را چنین تشریح می کند: درمورد کاترین والدین آزادی عمل کافی و امکان مخالفت با نظر والدین را به کودک داده و حمایت محدودی بعمل می آورند اما در مورد تام والدین اجازه اتخاذ کوچکترین تصمیم را نمی دهند و پیوسته راهنمای عمل فرزندشان هستند و برای موفقیت او همه چیز را مهیا می سازند اما نتیجه به موفقیت منجر نمی شود. تحقیقات لیندبلد^{۳۱} (۱۹۷۶) نشان داده است که رشد قوه خلاقیت کودکان تا حدود زیادی به نحوه تعامل والدین در این خصوص دارد (کفایت، ۱۳۶۷، ص ۸۲).

لازم به یادآوری است که بدانی به موازات تغییر در خیلی از مسائل، الگوهای تربیتی و ارتباطی والدین و فرزندان در آینده بسیار دگرگون خواهد شد. همانطوریکه امروز خیلی متفاوت تر از گذشته است. کودکان فردا احتمالا در جامعه ای بزرگ می شوند که به مراتب کمتر از دهه ۱۹۶۰ و حتی جامعه فعلی ما "کودک محور" خواهد بود مثلا سالخوردگی جمعیت جهان باعث تغییر جهت توجه به آن نسل و کم توجهی به کودکان و نوجوانان شده است. در دوران موج دوم (انقلاب صنعتی^{۳۲}) پدران و مادران، اغلب آرزوها و رویاهای خود را در وجود فرزندان خویش متجلی می دیدند و کودکان گل سرسید خانواده و غرق در ناز و نعمت بودند زیرا والدین انتظار داشتند وضع فرزندانشان از نظر اجتماعی - اقتصادی بهتر از خود آنان بشود. از آنجا که والدین انتظار داشتند موقعیت فرزندانشان در جامعه ارتقاء پیدا کند بیشتر تشویق می شدند تا تمام تلاش خود را صرف پرورش آنها کنند. امروزه بسیاری از پدران و مادران طبقه متوسط نظیر فرزندان خود با این واقعیت تلخ مواجه شده اند که در جهان پیچیده امروز فرزندان آنها به جای آنکه از نردبان موقعیت اجتماعی - اقتصادی بالا بروند دائما دارند پائین می روند و در نتیجه این امید والدین که از طریق پیشرفت فرزندان، آرزوهایشان برآورده شود بکلی از بین رفته است (البته در جامعه ما هنوز سرمایه گذاری و هزینه کردن والدین و تلاش آنان برای رشد و موفقیت فرزندان خیلی بالاست و این واقعیت ظاهرا خوش آیند یکی از نگرانیهای تربیتی و آسیب های جدی انگیزشی و کارآمدی نسل آینده باید تلقی گردد) در عین حال مسئولیت های بیشتری از سنین پائین متوجه خود کودکان خواهد بود همین موضوع نیاز به تلاش و خوداتکائی آنان را ایجاب خواهد کرد (تافلر، ۱۹۸۰، ص ۵۳۰ - ۵۲۹). بنابراین از نقش خانواده کاسته شده، مسئولیت و نقش پرورش استعدادهای و خلاقیت کودکان تا حد زیادی به خود آنان، دولتها و سازمانهای آموزشی واگذار خواهد شد. بر این اساس فرضیه اصلی و فرضیه های فرعی به شرح زیر مطرح می شود:

الف - فرضیه اصلی

بین نگرشهای فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

ب - فرضیه های فرعی

- ۱- نگرشهای فرزند پروری منجر به رشد خلاقیت والدین در مورد دانش آموزان پسر و دختر متفاوت است.
- ۲- میزان خلاقیت دانش آموزان در بین پایه های مختلف تحصیلی متفاوت است.
- ۳- میزان خلاقیت دانش آموزان با برخی متغیرهای دموگرافیک پاسخگویان مثل سطح تحصیلات، وضعیت رفاهی و شغل والدین ارتباط معنی داری دارد.
- ۴- رابطه بین میزان عوامل مختلف خلاقیت دانش آموزان (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری) و میزان نگرشهای فرزند پروری والدین (سلطه گری، سهل انگاری و وابستگی شدید) متفاوت است.

31 - Lind Blad

32 - Industrial revolution

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



۳- روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی- پیمایشی و از نوع کاربردی است. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق مشتمل است بر کلیه دانش آموزان پسر و دختر مدارس مقطع راهنمایی استعدادهای درخشان شهر ارومیه و والدین آنها. براساس آمار منتشره از سوی سازمان آموزش و پرورش استان مجموعاً ۲۰۹۴ نفر دانش آموز پسر و دختر در ۸۹ کلاس مقطع راهنمایی و دبیرستان تحت پوشش سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (سمپاد) استان که شامل سه مرکز ارومیه، خوی و میانداب می باشد مشغول تحصیل هستند. از این میان جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق شامل کلیه دانش آموزان مشغول تحصیل پسر و دختر مدارس پرورش استعدادهای درخشان مقطع راهنمایی شهر تبریز در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱، والدین آنها و مربیان مدارس مذکور می باشد که مجموعاً ۴۲۷ نفر دانش آموز دختر و پسر (۲۰۹ نفر پسر و ۲۱۸ نفر دختر) تمامی والدین آنها (۴۲۷ نفر) و معلمان به تعداد ۷۶ نفر (۴۰ نفر مربی مدرسه پسرانه و ۳۶ نفر مربی مدرسه دخترانه) را شامل می شود. واحد تحقیق محدود به دو مدرسه پسرانه و دخترانه راهنمایی فعال در شهر تبریز است که تحت عنوان مراکز پرورش استعدادهای درخشان که زیر نظر "سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان" که به اختصار "سمپاد" گفته می شود اداره می شوند (به غیر از استان تهران، درسایر استانها این مراکز به علت نبودن نمایندگی سازمان مذکور، تحت نظر سازمانهای آموزش و پرورش فعالیت می نمایند). مربیان نیز که شامل کادر آموزشی مدارس مذکور است کادر آموزشی و مربیان پرورشی و معلمین ورزش را در برمی گیرد که در ارتباط مستقیم آموزشی یا پرورشی دانش آموزان هستند. در مدرسه دخترانه ۳۶ معلم و مدرسه پسرانه تعداد ۴۰ معلم شاغل هستند. محدودیت جامعه آماری موجب شد تا بنا به تامین اعتبار پژوهش و مطابق مشورت استاد راهنما، کل جامعه دانش آموزان شاغل، والدین آنها و مربیان مرتبط مد نظر قرار گرفته و عمل نمونه گیری را منفی نمائیم. در نتیجه ۴۲۷ عدد پرسشنامه تهیه شد و در عمل ۴۱۸ پرسشنامه توزیع گردید که در موقع برگشت پاسخها، با افت ۱۳ حدود درصدی مواجه شدیم و نهایتاً ۳۶۳ مورد پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بنا به محدود بودن جامعه، و براساس مشورت با استاد راهنما، حجم نمونه انتخاب شده کل آن را (دانش آموزان مدارس راهنمایی پسرانه و دخترانه مراکز سمپاد تبریز) شامل و در این کار از روش سرشماری استفاده گردید. یعنی در واقع کل جامعه آماری، حجم نمونه آماری را تشکیل داده است. در نتیجه ۴۲۷ عدد پرسشنامه تهیه شد و در عمل تعداد ۴۱۸ پرسشنامه توزیع شد که شامل ۲۰۹ نفر دانش آموز پسر و ۲۱۸ نفر دانش آموز دختر بود (۶ نفر از دانش آموزان مدرسه پسرانه و ۳ نفر از دانش آموزان مدرسه دخترانه غیبت داشته و یا از مدرسه انتقال یافته بودند) و نهایتاً نیز تعداد ۳۶۳ عدد تکمیل شده بدون اشکال مورد استناد و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. دو زیر مجموعه حجم نمونه ما از نظر ویژگی تعداد، جنسیت، شرائط گزینش، پیشرفت تحصیلی و... مشابه بودند.

ابزارهای اندازه گیری ۳۲ تحقیق (مشخصات پرسشنامه ها)

معمولترین و متداولترین وسیله جمع آوری اطلاعات در حیطه علوم انسانی، همانا پرسشنامه می باشد. از این رو پرسشنامه در پژوهشهای علوم انسانی حائز اهمیت زیادی است... از جمله موارد استفاده پرسشنامه، سنجش نگرشها، طرز تلقی ها، عقاید و علائق افراد با استفاده از روشها و رویدادهای معین که به عنوان "نگرش سنجی" ۳۴ نیز شناخته می شود است. در این حالت پرسشنامه، به عنوان "وسیله اندازه گیری" عمل کرده، کیفیت و خصوصیات کیفی را به صورت کمیت و مقادیر کمی درمی آورد... علمی ترین و بهترین استفاده از آن به عنوان وسیله اندازه گیری همین مورد است (سیدعباس زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷ و ۲۶۶). انجام تحقیق علمی علاوه بر جمع آوری مبانی نظری موضوع، مستلزم داشتن اطلاعات دقیق تر که از اصولاً از طریق اجرای آزمونهای معتبر مانند پرسشنامه و... بدست آمده و فرضیات پژوهشی را مورد آزمایش قرار می دهد می باشد. در تحقیق حاضر سه آزمون مداد کاغذی شامل آزمون تفکر خلاقیت تورنس، آزمون سنجش نگرشهای فرزند پروری والدین، آزمون ارزیابی خلاقیت دانش آموزان توسط معلمان که ذیلاً شرح داده می شود مورد استفاده قرار گرفته است.

الف: آزمون زمینه یابی مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت ۳۵ (MPPT) تورنس

این پرسشنامه (ضمیمه شماره ۱) در ادبیات روانشناسی به آزمون خلاقیت تورنس مشهور و بر پایه تعریف وی از خلاقیت ساخته شده است. اصل آزمون سنجش خلاقیت تورنس، بسیار مفصل و طولانی می باشد. که اجرای آن نیازمند صرف ساعتها وقت است. آزمونی که تحت عنوان سنجش خلاقیت تورنس در

33 - Measurement instruments

34 - Attitude assessment

35 - Multiple choice paper and pencil test for measuring creativity (MPPT)

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در

مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



ایران شناخته می شود در واقع شکل کوتاه شده و استاندارد شده آن می باشد که توسط دکتر عابدی استاد دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲ ساخته و معرفی گردیده و در ادبیات روانشناسی کشورمان با علامت اختصاری **CT** شناخته می شود. دکتر عابدی از جمله پژوهشگران سابقه دار و علاقمند حوزه خلاقیت و نوآوری در کشورمان شناخته می شود. ایشان ابتدا در سالهای ۶۳-۱۳۶۲ و با تشویق و کمک دانشجویان رشته های روانشناسی دانشگاههای تهران، نسبت به ساخت یک آزمون چند جوابی ۷۵ سوالی براساس تئوری و تعریف تورنس جهت سنجش خلاقیت نموده و ابتدا روی ۶۵۰ نفر دانش آموز پایه سوم راهنمایی تهران اجرا گردید. بعداً طی فعالیتهای علمی در دانشگاه کالیفرنیا و با کمک دانشجویان، نسبت به تجدیدنظر و بازسازی آن اقدام و نهایتاً در سال ۱۹۹۴ با همکاری گروهی از اساتید دانشگاه مذکور (اونیل، عابدی و اسپیل برگر) فرم ۶۰ سوالی تهیه، هنجاریابی (بر روی ۱۶۲۵۰ نفر دانش آموز)، استاندارد و ارائه کرد. فرم کنونی آزمون توسط اساتید دانشگاه دوستو اسپانیا^{۳۶} (۱۹۹۲) مورد استفاده قرار گرفته است (کفایت، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴). تاکنون بیش از ۲۰۰۰ مقاله علمی که در آنها آزمون تورنس به عنوان ملاک سنجش خلاقیت استفاده شده، چاپ گردیده است (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳، ص ۲). در بین ابزارهای سنجش خلاقیت، آزمون تفکر خلاق تورنس در پژوهشها و اندازه گیریهای تربیتی این آزمون در واقع چهار عامل تشکیل دهنده خلاقیت یعنی سیالی، ابتکار، انعطاف و بسط را مورد سنجش قرار می دهد که به ترتیب شامل ۱۶، ۲۲، ۱۱ و ۱۱ گزینه است. یعنی سوالهای ۱ تا ۲۲ عامل سیالی، ۲۳ تا ۳۳ عامل بسط، ۳۴ تا ۴۹ عامل ابتکار و ۵۰ تا ۶۰ عامل انعطاف پذیری را می سنجند. البته هریک از این دسته سوالات در واقع یک خرده آزمون را تشکیل می دهند. هرگزینه سه پاسخ متفاوت الف، ب و ج (کیفی) با ارزش تبدیل به کمیت عددی ۰، ۱ و ۲ را دارند. فرض است در هر مورد سوال انتخاب کننده گزینه الف کمترین و انتخاب کننده ج بیشترین میزان خلاقیت را دارد. مجموع نمرات کسب شده در هر خرده آزمون، نمایانگر نمره آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار خرده آزمون، نمره کلی خلاقیت فرد را نشان می دهد. نمرات حاصل از سنجش هر چهار عامل به تنهایی و مجموع نمرات در کل، قابل تحلیل و تفسیر هستند دامنه نمره کل خلاقیت هر آزمودنی بین ۰ تا ۱۲۰ خواهد بود. بنابراین براساس نرم آزمون تورنس، امتیازبندی میزان خلاقیت به شرح ذیل خواهد بود:

- خلاقیت بسیار زیاد: امتیاز ۱۲۰ الی ۱۰۰
- خلاقیت زیاد: امتیاز ۱۰۰ الی ۸۵
- خلاقیت متوسط: ۸۵ امتیاز الی ۷۵
- خلاقیت کم: امتیاز ۷۵ الی ۵۰
- خلاقیت بسیار کم: امتیاز ۵۰ و پائین تر

آزمون مورد استفاده در این تحقیق به عنوان فرم دکتر عابدی شناخته می شود. این پرسشنامه به دانش آموزان، که هدف اساسی تحقیق سنجش و باروری قوای خلاقانه آنهاست ارائه و از آنان خواسته می شود گزینه مناسب را انتخاب نمایند (دائمی، ۱۳۸۳، ص ۳).

ب: پرسشنامه سنجش نگرشهای فرزند پروری والدین

این آزمون (ضمیمه شماره ۲) اقتباس شده از پرسشنامه ارزشیابی نگرش والدین^{۳۷} (PAS) که توسط شابین^{۳۸} (۱۹۴۹) ساخته شده است می باشد. فرم اولیه آن شامل ۸۵ سوال بوده که بعدها مورد تعدیل قرار گرفته است. فرم مورد استفاده ما توسط دروز و تی هن^{۳۹} (۱۹۵۷) تنظیم گردیده که ۳۰ سوال تک مفهومی پنج گزینه ای (از موافقت کامل تا مخالفت کامل) را شامل می شود که مواد آن به سه مقیاس فرعی مساوی تقسیم شده و در سال ۱۳۷۲ به همت اساتید دانشگاه اهواز و زیر نظر آقای دکتر شکرکن و دکتر نجاریان ترجمه و معرفی شده است. در فرم مورد استفاده هر ۱۰ سوال پرسشنامه، یک مقیاس فرعی یعنی سلطه گری، وابستگی شدید و سهل انگاری را می سنجند. در این پرسشنامه سوالهای ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۸ و ۲۱ عامل سلطه گری، سوالهای ۱، ۲، ۷، ۸، ۱۶، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۹ و ۳۰ عامل وابستگی شدید و سوالهای ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷ و ۲۸ عامل سهل انگاری را می سنجند. این پرسشنامه به والدین (پدر و مادر) بمنظور سنجش نوع نگرش آنان که در هر حال شیوه عملی تربیت فرزندانشان را تحت تاثیر قرار می دهد ارائه و از آنان خواسته می شود مراتب و درجه موافقت و مخالفت خود را با اصولی که مسائل تربیتی فرزندان و رشد خلاقیت آنان را متاثر سازد

36 - Deusto university / Spain

37 - Parent attitude survey (PAS)

38 - Shoben

39 - Drows & Teahn

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



اعلام نمایند . بدیهی است مخالفت کامل مفهوم تسلط و محدودیت و موافقت کامل مسامحه و آزادی را مستفاد می کند و حالتهای بینابینی نیز مفاهیم نسبی از دو حالت مذکور را تائید می نماید (کفایت ؛ ۱۳۷۳، ص ۱۰۴).

ج : پرسشنامه ارزیابی خلاقیت دانش آموزان توسط معلمان

این آزمون (ضمیمه شماره ۳) در واقع به عنوان عامل کنترل و ارزیابی بیرونی مورد استفاده قرار می گیرد یعنی ملاکی که به عنوان شاخص اعتبار برای محاسبه همبستگی آن با آزمون خلاقیت دانش آموزان مورد استفاده است . پرسشنامه هریک از دانش آموزان را از نظر داشتن درجاتی از عوامل چهارگانه تشکیل دهنده خلاقیت (سیالی ، ابتکار ، انعطاف پذیری و بسط) و خلاقیت بطور کلی ارزیابی می کند . در این پرسشنامه ابتدا توضیحاتی در باره خلاقیت و عوامل تشکیل دهنده آن داده شده و از مربیان و معلمان خواسته می شود هریک از دانش آموزان را از نظر داشتن صفات مذکور در یک مقیاس ۵ درجه ای مورد ارزیابی قرار می دهد (کفایت ، ۱۳۷۳، ۱۰۱ تا ص ۱۲۴).

۴- یافته های تحقیق

فرضیه اصلی : بین نگرشهای فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد .

جدول ۱۱-۴: رابطه خلاقیت با میزان نگرش والدین

خلاقیت	مقیاس سیالی	مقیاس بسط	مقیاس ابتکار	مقیاس پذیري	انعطاف	خلاقیت کلی تورنس
میزان همبستگی	۰/۱۷۴	۰/۱۶۱	۰/۱۴۳	۰/۱۱۱		۰/۲۰
P-value	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۱۳	۰/۰۵۲		۰/۰۰۱

برای بررسی رابطه خلاقیت کلی تورنس و نگرش والدین از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد با توجه به اطلاعات فوق ملاحظه می گردد که میزان رابطه خطی بین مقیاس سیالی و میزان نگرش والدین برابر $r=0/174$ ، $(P=0/003 < 0/05)$ ، بوده که میزان این رابطه بین مقیاس بسط با نگرش برابر $r=0/161$ ($P < 0/005$) و با مقیاس ابتکار برابر $r=0/143$ می باشد. اما بین مقیاس انعطاف پذیری و نگرش والدین رابطه آماری معنی دار وجود ندارد ($P > 0/05$) اما در حالت کلی ملاحظه می گردد که میزان خلاقیت کلی تورنس با نگرش والدین دارای رابطه آماری به میزان $(r=0/20)$ می باشد که این میزان حاکی از رابطه نسبتاً ضعیفی است. یعنی می توان گفت نگرش والدین نسبت به خلاقیت فرزندان تأثیری نسبتاً ضعیفی دارد.

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



- بررسی میزان خلاقیت فرزندان در بین جنسیت آنان :

فرضیه فرعی شماره ۱: نگرشهای فرزند پروری منجر به رشد خلاقیت والدین در مورد دانش آموزان پسر و دختر متفاوت است .

جدول ۱۲-۴: مقایسه میانگین میزان مقیاسهای خلاقیت بین دختران و پسران

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	آماره t	P-value
مقیاس سیالی	دختر	۳۳/۶۱	۵/۰۶	۲/۴۳	۰/۰۱۵
	پسر	۳۲/۱۸	۵/۸۰		
مقیاس بسط	دختر	۱۵/۵۴	۳/۱۷	۳/۳۵	۰/۰۰۱
	پسر	۱۳/۸۸	۳/۲۷		
مقیاس ابتکار	دختر	۲۳/۲۰	۴/۳۲	۲/۵۶	۰/۰۱۱
	پسر	۲۱/۸۷	۵/۱۲		
مقیاس انعطاف پذیری	دختر	۱۷/۲۵	۲/۴۷	۳/۸۸	۰/۰۰
	پسر	۱۶/۱۱	۳/۰۱		
خلاقیت کلی تورنس	دختر	۸۸/۶۹	۱۲/۱۶	۳/۰۹	۰/۰۰۲
	پسر	۸۷/۰۷	۱۳/۹۹		

برای مقایسه تفاوت میزان خلاقیت فرزندان بین جنسیت از آزمون t گروههای مستقل استفاده گردید یافته‌های بدست آمده بیان می‌دارد که میانگین خلاقیت در دختران و پسران بترتیب برابر (۳۳/۵±۶۱/۰۶)، (۳۲/۵±۱۸/۸۰) است با ملاحظه نتیجه آزمون t فرضیه H₀ در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار است عبارت دیگر میزان نمرات مقیاس سیالی خلاقیت در دختران بیشتر از پسران می باشد. (P<۰/۰۵)، اما در بررسی میزان خلاقیت بسط بین دختران و پسران دانش‌آموز، ملاحظه گردید که این میزان برای دختران برابر (۱۵/۳±۵۴/۱۷) و برای پسران برابر (۱۳/۳±۸۸/۲۷) می باشد بطوریکه برابری میانگین گروهها در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار است (P<۰/۰۵) به بیان دیگر مقیاس بسط در دختران بیشتر از پسران می باشد. همچنین میزان مقیاس ابتکار در دختران (۲۳/۲۰±۴/۳۲) و در پسران برابر (۲۱/۸۷±۵/۱۲) می باشد که این میزان در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار است (P=۰/۰۱۱<۰/۰۵) عبارت دیگر مقیاس ابتکار نیز در دختران بیشتر از پسران می باشد. در بررسی میزان مقیاس انعطاف پذیری دختران و پسران ملاحظه گردید که این میزان در دختران و پسران بترتیب برابر (۱۷/۲۵±۲/۴۷) و (۱۶/۱۱±۳/۰۱) می باشند که با مراجعه به نتیجه آزمون t فرضیه برابری میانگین ها در سطح ۰/۰۵ بشدت معنی دار است یعنی می توان گفت خلاقیت انعطاف پذیری در دختران بیشتر از پسران می باشد. همچنین در برآورد کلی خلاقیت تورنس بین دختران و پسران نتیجه حاصله دلالت بر برتری میزان خلاقیت دختران نسبت به پسران می باشد. (P=۰/۰۰۲<۰/۰۵).

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



- بررسی میزان خلاقیت در بین پایه های تحصیلی:

فرضیه فرعی شماره ۲: میزان خلاقیت دانش آموزان در بین پایه های مختلف تحصیلی متفاوت است.

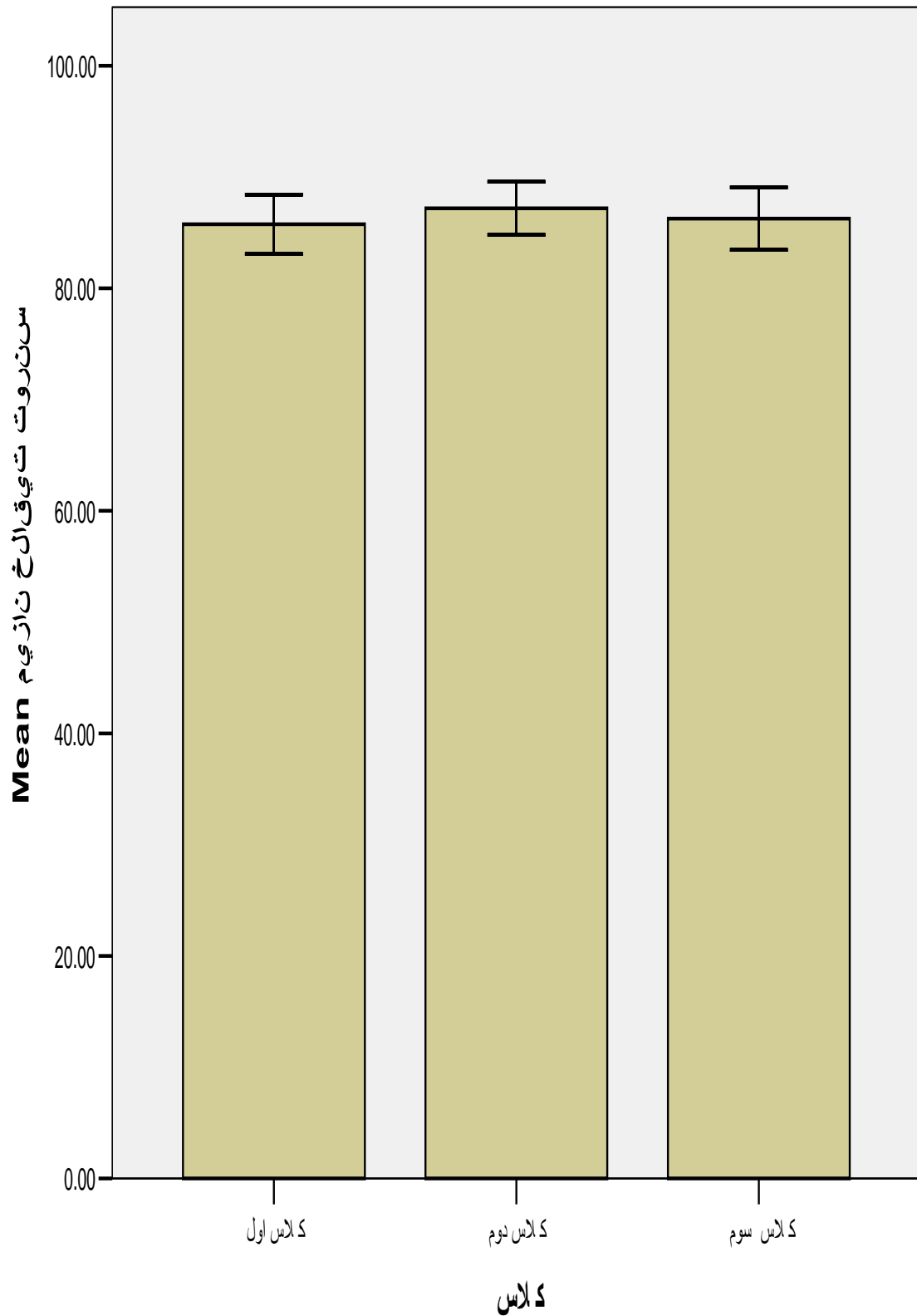
جدول ۱۳-۴: مقایسه میزان خلاقیت بین پایه های تحصیلی

P-value	آماره F	خطای انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین		
.50	.679	.48029	5.19513	32.4359	کلاس اول	مقیاس سیالی
		.44885	4.77139	33.1681	کلاس دوم	
		.59556	6.35885	33.1579	کلاس سوم	
		.29532	5.47737	32.9157	مجموع	
.79	.228	.30766	3.31359	14.5517	کلاس اول	مقیاس بسط
		.32139	3.41644	14.5929	کلاس دوم	
		.28358	3.10641	14.3250	کلاس سوم	
		.17509	3.27091	14.4871	مجموع	
.31	1.175	.48851	5.14680	22.3694	کلاس اول	مقیاس ابتکار
		.40366	4.25278	23.1171	کلاس دوم	
		.45267	4.85437	22.2000	کلاس سوم	
		.25981	4.76942	22.5579	مجموع	
.434	.64	.26721	2.92711	16.6417	کلاس اول	مقیاس انعطاف پذیری
		.22295	2.37004	16.9115	کلاس دوم	
		.27792	3.04448	16.5917	کلاس سوم	
		.14900	2.79941	16.7110	مجموع	
.73	.309	1.33043	13.43664	85.7549	کلاس اول	سنجش میزان خلاقیت کلی تورنس
		1.19450	12.18154	87.1923	کلاس دوم	
		1.40381	14.24709	86.2621	کلاس سوم	
		.75557	13.28174	86.4078	مجموع	

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



Error bars: +/- 2.00 SE

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

بررسی میزان خلاقیت در بین پایه های تحصیلی (اول، دوم و سوم) از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید با رجوع به اطلاعات بدست آمده فوق، مشاهده می گردد که میزان مقیاس سیالی در بین پایه های اول، دوم و سوم بترتیب برابر (۳۲/۵±۴۳/۱۹)، (۳۳/۴±۱۶/۷۷) و (۳۳/۶±۱۵/۳۵) می باشد ولی میزان مقیاس بسط در پایه اول برابر (۱۴/۳±۵۵/۳۱)، در پایه دوم برابر (۱۴/۳±۵۹/۴۱) و در پایه سوم برابر (۱۴/۳±۳۲/۱۰) می باشد اما میزان مقیاس ابتکار در پایه های اول، دوم و سوم بترتیب برابر (۲۲/۵±۳۶/۱۴)، (۲۳/۴±۱۱/۲۵) و (۲۲/۴±۲۰/۸۵) محاسبه گردیده است. همچنین میزان مقیاس انعطاف پذیری در پایه اول برابر (۱۶/۲±۶۴/۹۲)، در پایه دوم (۱۶/۲±۹۱/۳۷) و در پایه سوم برابر (۱۶/۳±۵۹/۰۴) می باشد. با ملاحظه نتیجه آزمون تحلیل واریانس استنباط می گردد که فرضیه H_0 مبنی بر برابری میانگین خلاقیت بین پایه های تحصیلی مورد تأیید است عبارت دیگر خلاقیت در بین پایه های تحصیلی متفاوت نیست. ($P>/.5$)

- بررسی تأثیر وضعیت رفاهی خانوادگی در میزان خلاقیت

فرضیه فرعی شماره ۳: میزان خلاقیت دانش آموزان با برخی متغیرهای دموگرافیک پاسخگویان مثل سطح تحصیلات، وضعیت رفاهی و شغل والدین ارتباط معنی داری دارد.

جدول ۱۴-۴: مقایسه وضعیت رفاهی خانواده ها و خلاقیت دانش آموزان

وضعیت رفاهی خانواده	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	آماره F	P-value
مقیاس سیالی	رفاه پایین	32.9722	4.99420	1.26	.28
	رفاه متوسط به پایین	32.6292	4.85560		
	رفاه متوسط	33.6575	5.32326		
	رفاه متوسط به بالا	31.7111	7.36275		
	رفاه بالا	32.6923	4.36625		
	مجموع	33.0000	5.47221		
مقیاس بسط	رفاه پایین	15.1316	3.26464	2.58	.037
	رفاه متوسط به پایین	14.2809	3.45421		
	رفاه متوسط	14.7055	2.88436		
	رفاه متوسط به بالا	14.3191	3.63023		
	رفاه بالا	12.0000	3.89444		
	مجموع	14.4805	3.26866		
مقیاس ابتکار	رفاه پایین	22.5405	4.07972	1.16	.39
	رفاه متوسط به پایین	22.3373	4.71447		
	رفاه متوسط	22.8231	4.36942		
	رفاه متوسط به بالا	22.7209	6.26907		
	رفاه بالا	20.0000	4.16333		
	مجموع	22.5387	4.71823		
مقیاس انعطاف پذیری	رفاه پایین	16.2895	2.80836	.32	.861
	رفاه متوسط به پایین	16.6818	2.33191		

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

		.20786	2.57114	16.8562	رفاه متوسط	
		.64637	4.33601	16.7111	رفاه متوسط به بالا	
		.64664	2.33150	16.5385	رفاه بالا	
		.15363	2.82034	16.7151	مجموع	
.39	1.028	2.08418	12.33019	87.2857	رفاه پایین	سنجش میزان خلاقیت کلی تورنس
		1.35860	12.15167	85.4125	رفاه متوسط به پایین	
		1.02407	11.58608	87.8047	رفاه متوسط	
		3.15578	19.95892	85.7250	رفاه متوسط به بالا	
		3.03009	10.92515	81.2308	رفاه بالا	
		.76849	13.22168	86.5270	مجموع	

با توجه به یافته های جدول فوق ملاحظه می گردد که مقیاسهای سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و خلاقیت کلی تورنس در بین طبقات رفاهی مختلف تفاوت معنی داری وجود ندارد ($P > /5$) بعبارت دیگر وضعیت رفاهی در مقیاسهای ابتکار، سیالی، انعطاف پذیر تأثیر ندارد اما با ملاحظه میزان مقیاس بسط در دانش آموزشی که خانواده های آنان از وضعیت رفاهی کمتر برخوردارند برابر $(15/13 \pm 3/26)$ و میزان مقیاس بسط در فرزندان خانواده های رفاه متوسط برابر $(14/7 \pm 2/83)$ بوده و این در حالی است که مقیاس بسط در فرزندان خانواده های رفاه بالا برابر $(3 \pm 12/89)$ می باشد. لذا با ملاحظه نتیجه آزمون تحلیل واریانس فرضیه H_0 معنی دار است ($P < /5$) بعبارت دیگر مقیاس سیالی فرزندان در خانواده های رفاه بالا کمتر است.

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



- بررسی خلاقیت فرزندان بین نگرش والدین

فرضیه شماره ۴: رابطه بین میزان مقیاسهای خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری) دانش آموزان و میزان نگرشهای فرزند پروری والدین (سلطه گری، سهل انگاری و وابستگی شدید) متفاوت است.
جدول ۱۵-۴: مقایسه میزان خلاقیت فرزندان با میزان نگرش والدین

P-value	آماره t	خطای انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	میزان نگرش رفتاری والدین	
					نگرش متوسط	نگرش بالا
.92	-.09	.33847	5.60275	32.9307	نگرش متوسط	سیالی مقیاس
		.98301	4.71437	33.0435	نگرش بالا	
.115	1.58	.19454	3.23771	14.5054	نگرش متوسط	مقیاس بسط
		.64806	3.17486	13.4167	نگرش بالا	
.95	.75	.29605	4.86466	22.3556	نگرش متوسط	مقیاس ابتکار
		.85240	4.08797	21.5652	نگرش بالا	
.58	-.57	.16603	2.79301	16.7845	نگرش متوسط	پذیری مقیاس انعطاف
		.55555	2.60577	17.1364	نگرش بالا	
.63	.47	.85895	13.52669	86.2984	نگرش متوسط	خلاقیت کلی تورنس
		2.82526	12.63496	84.8000	نگرش بالا	

با عنایت به نتایج حاصله در خصوص میزان خلاقیت در بین نگرش رفتاری والدین، با توجه به اینکه سطوح نگرش رفتاری والدین در دو بعد نگرش متوسط و نگرش بالا محدود می باشد، از آزمون t گروههای مستقل استفاده می گردد. نتایج حاصله بیان می دارد که میزان خلاقیت در مقیاس سیالی در والدین که نگرش متوسط و بالا دارند به ترتیب برابر (۳۲/۵±۹۳/۶۰) و (۳۳/۴±۰۴/۷۱) محاسبه گردیده است که این دو میزان در سطح خطا پذیری ۵٪ معنی دار نیستند. عبارت دیگر مقیاس سیالی فرزندان بین نگرش والدین تفاوت نمی کند به همین ترتیب خلاقیت مقیاسهای بسط، ابتکار و انعطاف پذیری نیز بین میزان نگرش رفتار والدین تفاوت ندارند. عبارت دیگر چنین استنباط می گردد که خلاقیت فرزندان متأثر از نگرش رفتاری والدین نسبت به فرزندان نمی باشد. (P>۵٪)

- بررسی رابطه نوع نگرش رفتاری والدین با خلاقیت

جدول ۱۶-۴: سنجش میزان همبستگی انواع نگرش والدین با خلاقیت فرزندان

نگرش / خلاقیت	مقیاس سیالی	مقیاس بسط	مقیاس ابتکار	مقیاس انعطاف پذیری	خلاقیت کلی تورنس	میزان همبستگی	
						P-value	میزان همبستگی
نگرش سلطه گری	۰.۱۲۸	۰.۱۶۶	۰.۱۱۷	۰.۰۸۶	۰.۱۶۰	۰.۰۲۲	میزان همبستگی
	۰.۰۲۲	۰.۰۰۳	۰.۰۳۹	۰.۱۱	۰.۰۰۷		P-value
نگرش وابستگی شدید	۰.۱۱۳	۰.۰۷۴	۰.۰۹۶	۰.۱۱۱	۰.۱۴۵	۰.۰۱۳	میزان همبستگی
	۰.۰۱۳	۰.۱۸۰	۰.۰۹۸	۰.۰۴۲	۰.۰۱۳		P-value

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

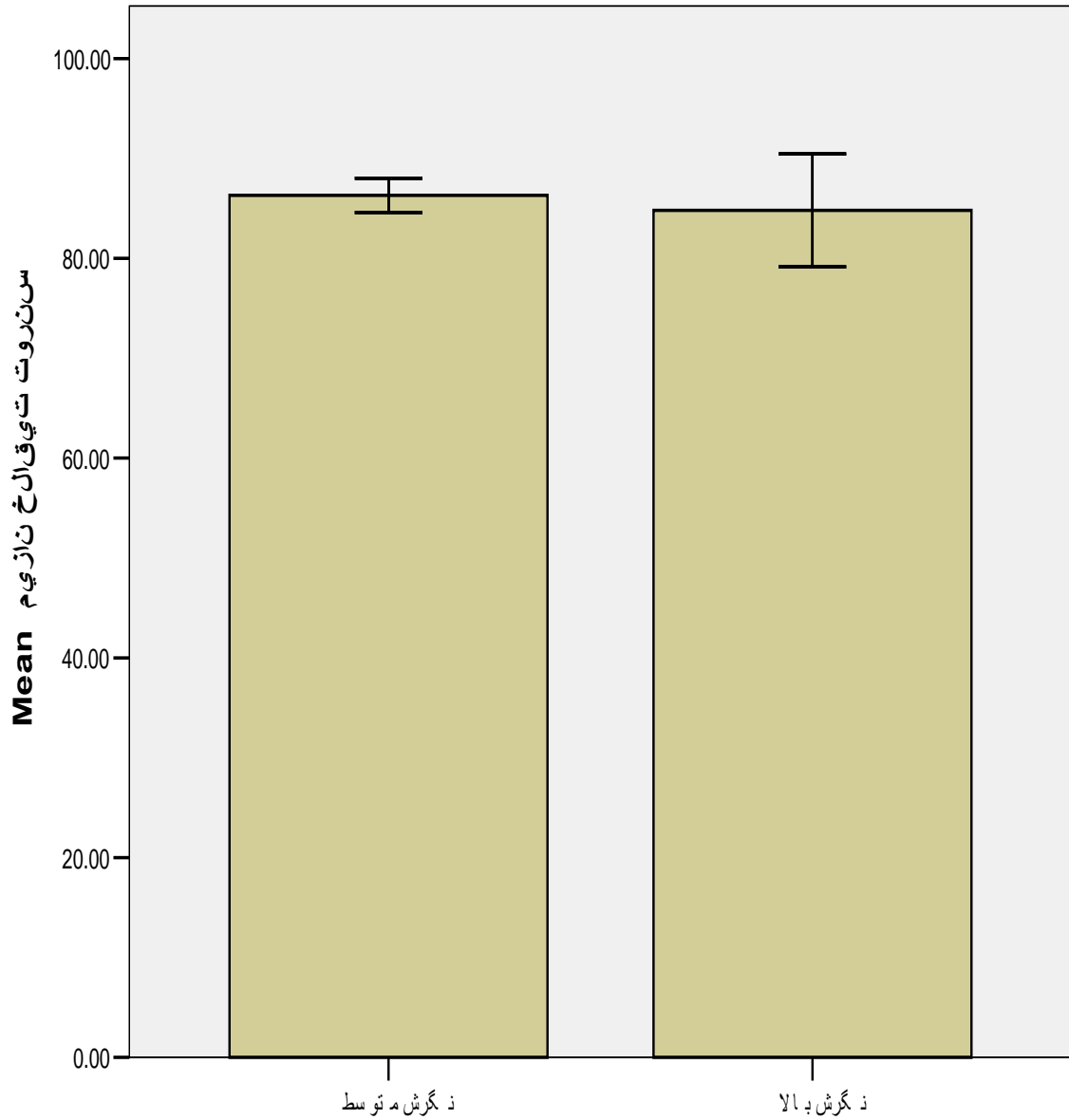
زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



۰.۱۱۹	۰.۰۲۲	۰.۰۹۳	۰.۱۰۸	۰.۱۰۹	میزان همبستگی	نگرش سهل انگاری
۰.۰۵۲	۰.۷۱	۰.۱۱۱	۰.۶۰	۰.۰۶۲	P-value	

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



میزان ن گ ر ش ر ف ت ا ر ی و ا ل د ی ن

Error bars: +/- 2.00 SE

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



برای بررسی ارتباط نوع نگرش والدین با خلاقیت از آزمون همبستگی استفاده گردید، اطلاعات بدست آمده از پژوهش بیان میدارد میزان پیوند آماری نگرش سلطه گری و نگرش وابستگی با خلاقیت کلی تورنس به ترتیب برابر ۰.۱۶۶، ۰.۱۴۵ میباشد که این میزانها رابطه نسبتا ضعیفی را شامل میگردد. یعنی میتوان گفت والدین در نوع نگرش خود نسبت به خلاقیت فرزندانشان با تردید مواجه بوده اند. همچنین هیچ رابطه آماری بین نگرش سهل انگاری والدین با نوع خلاقیت فرزندان پدید نیامده است ($p < 0.05$). کما اینکه بین مقیاس ابتکار فرزندان با نگرش وابستگی و مقیاس انعطاف پذیری با نگرش سلطه پذیری نیز پیوند آماری رویت نگردید.

۵- بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاکی است ۱۱/۶٪ دانش آموزان خلاقیت بسیار زیاد، ۴۲/۲٪ خلاقیت زیاد، ۲۸/۷٪ خلاقیت کم و ۱۷/۵٪ خلاقیت بسیار کم از خود نشان دادند که ۵۳/۸٪ بالاتر از متوسط و ۴۶/۲٪ نیز پائین تر از حد متوسط می باشند. درحالیکه اکثریت والدین (۹۲/۵٪) نگرش حد متوسطی به رشد خلاقیت فرزندان دارند. فلذا از نظر شیوه های فرزند پروری و میزان خلاقیت دانش آموزان همخوانی زیادی وجود نداشته و رابطه آماری معنی داری نیز بدست نیامده است. بطوریکه ارتباط ضعیف ($r = ۰/۲۰$) بین میزان خلاقیت دانش آموزان و نگرشهای فرزند پروری والدین گویای این امر بوده و عامل خلاقیت بطور معنی داری متاثر از نگرش والدین نیست. یعنی والدین دیدگاههای تربیتی روشن و جهت داری که بتواند رشد قوه ابتکار و نوآوری کودکان را پشتیبانی و حمایت کند نداشته و در تربیت فرزندان گرایشات شدیداً محافظه کارانه ای دارند که می تواند دلیلی بر تقدم و اهمیت موفقیت تحصیلی فرزندان بر رشد خلاقیت از نظر والدین باشد و یا اینکه عوامل مختلفی در رشد خلاقیت کودکان موثر هستند که نگرشهای فرزند پروری یکی از آنهاست و یا اینکه اثرات رفتاری والدین که می تواند متفاوت از نگرش باشد مهم تر است و نهایت اینکه اکثر والدین بنا به دلایلی در این خصوص ابهام و اکراه دارند. با وجود این ارتباط برخی از عوامل تشکیل دهنده خلاقیت با نگرشهای والدین، جنسیت دانش آموزان، تحصیلات و شغل والدین، وضیت رفاهی خانواده ها و... که مربوط به فرضیه های فرعی تحقیق می باشد قابل توجه است بطوریکه برای والدین موفقیت تحصیلی فرزندان مهم تر از رشد خلاقیت بوده و در مقام مقایسه میانگین نمرات خلاقیت دختران بیشتر از پسران است تحقیق کفایت (۱۳۷۳) همین نتیجه را تائید می کند البته چنین نتیجه ای می تواند ناشی از بلوغ زودرس و تفاوت در سنین رشد جسمی - روانی دختران نیز باشد. توزیع فراوانی میزان خلاقیت دانش آموزان نیز به ترتیب برای بسیار کم، کم، زیاد و بسیار زیاد ۱۷/۵٪، ۲۸/۷٪، ۴۲/۲٪ و ۱۶/۶٪ می باشد. لکن تفاوت معنی داری از نظر میزان خلاقیت در بین پایه های مختلف تحصیلی مشاهده نگردید. همچنین میزان عوامل چهارگانه خلاقیت (بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف پذیری) در دختران بیشتر از پسران است. در مورد متغیرهای دموگرافیک نتایج حاکی است: ۱- مقیاس خلاقیت سیالی فرزندان خانواده های مرفه کمتر است که می تواند دلیلی بر اهمیت و تقدم موفقیت تحصیلی بر رشد خلاقیت در این طبقه و بالا بودن انگیزه تغییر و انتظار در بین طبقات پائین اجتماع باشد ۲- اکثریت پدران (حدود ۶۰٪) و مادران (حدود ۴۸٪) دانش آموزان دارای تحصیلات عالی لیسانس و بالاتر هستند. شغل اغلب مادران را خانه داری (۶۷٪) و معلمی (۲۵/۳٪) و شغل اغلب پدران را کارمندی (۳۸/۳٪) و آزاد (۲۷٪) تشکیل می دهد.

۶- پیشنهاد کاربردی

- لزوم بازنگری محتوی مواد آموزشی و روشهای یادگیری مبتنی بر حمایت از خلاقیت دانش آموزان
- برنامه ریزی برجسته شدن اهمیت پرورش خلاقیت به جای اهمیت موفقیت صرف تحصیلی
- تجدید نظر در اهداف سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان که معطوف به رشد خلاقیت باشد.
- برنامه ریزی برای تغییر نگرش معلمان و مدیران مدارس در جهت پرورش خلاقیت دانش آموزان.
- برنامه ریزی برای گزینش و بکارگیری معلمان دارای استعدادهای خلاقانه.
- برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزش فعال و مشارکتی دانش آموز محور برای معلمان.
- احترام گذاشتن به نظرات و پیشنهادات معلمان و جلب مشارکت فعال آنان در بهبود سیستم.
- ایجاد واحد "تحقیق و توسعه خلاقیت" در سازمانهای آموزش و پرورش.

۷- فهرست منابع

نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

۱. برونو، فرانکو. (۱۳۷۰). فرهنگ توصیفی روانشناسی، ترجمه مهشید یاسائی و فرزانه طاهری، انتشارات طرح نو،
۲. تافلر، الوین. (۱۳۷۳). شوک آینده، ترجمه حشمت الله کامرانی، چاپ گلشن تهران،
۳. تورنس، ئی پال. (۱۳۷۲). استعدادها و مهارتهای خلاقیت، مترجم دکتر حسن قاسم زاده، نشر دنیای نو.
۴. خمارلو، توران. (۱۳۷۰). کتاب کار مربی کودک، انتشارات آگاه،
۵. دافی، برنادت، (۱۳۸۰). تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان، ترجمه مهشید یاسائی، انتشارات ققنوس،
۶. طالب زاده، عباس. (۱۳۸۵). خلاقیت و نوآوری در افراد و سازمان ها، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، سال پانزدهم، شماره ۱۵۲،
۷. کفایت، محمد. (۱۳۷۳). بررسی ارتباط شیوه ها و نگرشهای فرزند پروری با خلاقیت دانش آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز.
۸. موید نیا، فریبا. (۱۳۸۴). بررسی انگیزه نوآوری معلمان و ارتباط ساختار سازمانی مدرسه در مدارس دخترانه شهرستان خوی،
۹. همتی، امیر. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی موانع شخصی خلاقیت از دیدگاه دبیران مرد و زن ناحیه ۲ شهر ارومیه.